

تحلیل نقش عوامل مؤثر بر بازآفرینی فضاهای شهری از منظر کاربران (مطالعه موردی: بافت مرکزی شهر کرمانشاه)

مصطفی شاهینی فر (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

shahini@pnu.ac.ir

نادر شوهانی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران)

nadershohani54@pnu.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۶/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۸

صص ۱۶۷-۱۴۹

چکیده

هدف پژوهش حاضر تحلیل نقش عوامل مؤثر بر بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی نو در بازسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده مرکز شهر کرمانشاه از منظر کاربران است. روش پژوهش در این مقاله با توجه به ماهیت و اهداف موضوع از نوع توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه شهروندان بخش مرکزی شهر کرمانشاه می‌باشد. در این پژوهش ۳ مؤلفه مورد سنجش قرار گرفت. داده‌های مورد نیاز به کمک پرسش‌نامه محقق ساخته گردآوری و سپس تحلیل شد. تعداد پرسش‌نامه‌ها شامل ۳۸۴ مورد بود که از فرمول کوکران به دست آمده است. ضریب پایایی کل پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ محاسبه شد که نشان از اعتبار بالای این پرسشنامه است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری تی تک‌نمونه‌ای استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان داد که عواملی نظیر اختلاط و گوناگونی فعالیت‌ها، اصل الگوی تراکمی توسعه و دسترسی و نفوذپذیری در حد ضعیفی از منظر مردم در بازآفرینی شهری بخش مرکزی شهر کرمانشاه تأثیر داشته‌اند. به منظور کارآمد نمودن اقدامات لازم برای بازآفرینی فضاهای شهری هماهنگی میان زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی با ظرف زمانی و مکانی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. بدین‌سان هویت افراد حفظ شده و از شیء‌وارگی آنها جلوگیری به عمل می‌آید و حیات مدنی جامعه تداوم می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: بازآفرینی شهری، بازسازی، بهسازی، شهر کرمانشاه

۱. مقدمه

بخش‌های بزرگی از کلان‌شهرهای ایران با معضلات عدیده‌ای از قبیل فرسودگی، ضعف زیرساخت‌های شهری، کمبود امنیت، رشد بی‌قواره شهری و پراکنش ناموزون، منطقه‌بندی‌های خشک و غیر قابل انعطاف، دسترسی‌های نامناسب، نفوذپذیری پایین و فقدان هویت مکانی درگیر هستند. در طی چندین دهه گذشته تلاش‌های زیادی برای پاسخ به این مسائل از طریق تهیه سیاست‌های مداخلاتی و اجرای طرح‌های توسعه شهری با عناوین مختلف صورت گرفته است. اما این تلاش‌ها علی‌رغم ایجاد چارچوبی مدون و قابل اعتناء در خصوص اطلاعات وضعیت شهرها تاکنون نتوانسته است به رفع کامل معضلات شهرها کمک نماید. رویکرد بازآفرینی شهری^۱ به عنوان آخرین سیاست در زمینه معاصر سازی بافت‌های ناکارآمد شهری به عنوان رویکردی جدید در این زمینه به دلیل پشتوانه دولتی و عزم راسخ دولت در دهه ۱۳۹۰ شمسی مورد توجه قرار گرفته است. این رویکرد از این جهت حائز اهمیت است که به طور هم‌زمان به جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی توجه می‌کند. در واقع توجه ویژه این رویکرد به بافت‌های تاریخی شهرها است. زیرا بافت‌های تاریخی شهرها یادآور هویت و ریشه تاریخی مردمان ساکن در آن می‌باشد و از این رو به عنوان آینه‌ای می‌توان سیر تحول تاریخ اجتماعی، فرهنگی و پیشرفت‌های ملل مختلف را از داخل آنها نظاره کرد. از این جهت حفظ و بازآفرینی این محلات از مهم‌ترین اقدامات مؤثر در آنهاست. مسأله مهم در ارتباط با این محلات تضاد و ناهماهنگی ایجاد شده بین این محلات با بافت‌های جدید می‌باشد. نارسایی در این بافت‌ها ناشی از عدم توجه به ظرفیت‌های این محله‌ها در فرایند توسعه شهر می‌باشد. این بافت‌ها عمدتاً دارای مشکلات و محدودیت‌هایی زیادی هستند. ناهمخوانی کالبد و فعالیت، وجود عناصر ناهمخوان شهری و پایین بودن سرانه برخی کاربری‌ها مانند فضاهای سبز و فراغتی، فرهنگی و پارکینگ از مشکلات عمده این بافت‌ها می‌باشد. این بافت‌ها فاقد سلسله مراتب مناسب در شبکه ارتباطی هستند و امکان نفوذپذیری به داخل بافت‌های ارگانیک آنها به سختی میسر می‌شود. وجود فضاهای بی‌دفاع و رها شده و کاربری‌های ناسازگار و جاذب ترافیک از یک طرف و کمبود فضاهای عمومی مناسب جهت شکل‌گیری تعاملات اجتماعی از سوی دیگر موجب اختلال و نابسامانی در نظام کاربری زمین در این بافت‌ها شده است. برخی آلودگی‌های زیست‌محیطی از جمله مشکل دفع زباله و فاضلاب باعث افت کیفیت محیطی در این بافت‌ها شده و سبب خروج تدریجی سرمایه و فعالیت و جایگزینی کارکرد سکونت با کیفیت بسیار نازل شده است. مسائل یاد شده موجب کاهش اهمیت و ارزش بافت قدیمی و هویت ساز شهرها شده است و همچنین موجب جابه‌جایی‌های جمعیتی و خروج گروه‌های با توان مالی بالا و جایگزینی با گروه‌های کم‌درآمد و فاقد حس تعلق به مکان شده است. هم‌زمان با بروز مسائل فوق و تأثیرات آنها بر حوزه‌های مختلف، توجه به بافت‌های قدیمی و فرسوده و رفع ناپایداری آنها، به موضوعی جدی و محوری در شهرها تبدیل شده است به گونه‌ای که سازمان‌های ذیربط را به تکاپوی ساماندهی و احیاء این عناصر و بافت مذکور سوق داده

است و لزوم مداخله در این بافت‌ها را در دوره‌های زمانی مختلف مطرح نموده است (احمدپور، حبیبی و کشاورز، ۱۳۸۹، ص. ۷۴). از طرف دیگر فرسودگی بافت تاریخی شهرها ناشی از مسائل اجتماعی، فقر و محرومیت، نبود تعلق خاطر به بافت و همچنین نگاه موزه‌ای به آن می‌باشد (صفدری، پورجعفر و رنجبر، ۱۳۹۲، ص. ۲۶؛ احمدی، ۱۳۹۲، ص. ۸۷). این موضوع بیانگر این است که مرمت و بازآفرینی شهری به عنوان اقدامی آیینی تنها به جنبه‌های محدودی نظیر ابعاد کالبدی محدود نمی‌گردد. بلکه بخشی از بازآفرینی را می‌توان با محوریت فرهنگی در نظر داشت، که در آن شهر از دارایی‌های تاریخی و توان‌های فرهنگی خود برای پیشبرد اهدافی نظیر جذب گردشگران و سرمایه‌گذاران استفاده می‌کند (هونگ^۱ و وانگ^۲، ۲۰۱۴، ص. ۷۲).

هدف اصلی این پژوهش دستیابی به شناختی واقعی و عمیق از ویژگی‌های بافت فرسوده محلات مرکزی شهر کرمانشاه و تأثیر این عوامل بر بازآفرینی این بافت بوده است. بررسی و شناخت این عوامل باعث خواهد شد تا بتوان تناسبی منطقی میان بازآفرینی به عنوان مظهر با کالبد بافت برقرار نمود. زیرا در صورت عدم تناسب مورد نظر هرنوع اقدام و مداخله‌ای باعث هدر رفتن امکانات و منابع خواهد شد. حال با توجه به موارد فوق در این پژوهش این مسأله مطرح است که چه عواملی بر بازآفرینی بافت مرکزی شهر کرمانشاه تأثیر گذار است؟

بررسی ادبیات بازآفرینی شهری در کشورها نشان می‌دهد که خلأی آشکار میان عرصه عمل و نظریه دیده می‌شود. این موضوع سبب شده تا در دهه اخیر با ورود مدیران شهری به موضوع بازآفرینی شهری شاهد شکل‌گیری مجموعه‌ای از مداخلات ناهماهنگ و گاه متضاد باشیم. این ناهماهنگی‌ها موجب شده تا هرگروه از مدیران و مسئولان شهری درکی متفاوت از سطح بازآفرینی شهری داشته باشند، به نحوی که برخی آن را صرفاً مداخلاتی کالبدی دانسته، گروهی آن را دربردارنده مداخلاتی اجتماعی برای حل مشکلات شهری برشمرده، عده‌ای آن را صرفاً از بعد اقتصادی دیده و مابقی افراد تفاوت معناداری با سایر مفاهیم نزدیک به آن مانند بهسازی و نوسازی قائل نشوند. عده دیگر برای وجه فرهنگی بازآفرینی شهری اعتبار بیشتری قائل شده‌اند (لطفی، ۱۳۹۰، ص. ۴۸). اما در مجموع موفقیت بازآفرینی مشارکتی در شهر به این موضوع بستگی دارد که از طرف دولت در چه سطحی اتفاق بیافتد (سیو^۳ و جو^۴، ۲۰۱۹، ص. ۲۹). در واقع توافق بخش دولتی و خصوصی در تعیین حدود و ماهیت عرصه‌های عمومی عاملی تعیین کننده محسوب می‌شود. از این جهت است که می‌توان گفت مشارکت بخش دولتی و خصوصی در امر بازآفرینی یک امر مهم است، زیرا تحقق آن برای مقامات محلی با منابع محدود بسیار دشوار به نظر می‌رسد (گازی^۵، ۲۰۰۹، ص. ۳۶).

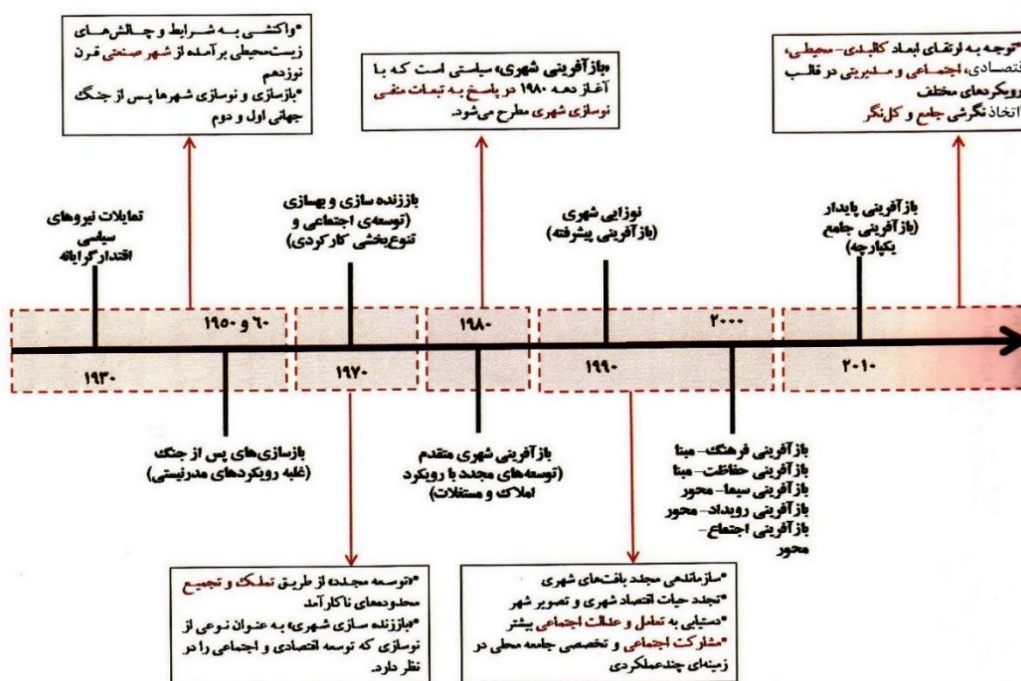
1. Hwang
2. Hong
3. Joo
4. Seo
5. Guzey

سیاست‌های بازآفرینی شهری مجموعه‌ای از پروژه‌ها یا طرح‌هایی مانند برنامه‌های آموزش بزرگسالان، تأمین فضاهای سبز اضافی، ادغام تحولات مسکن با سیاست‌های قدیمی‌تر مانند مقاوم‌سازی و تعمیر واحدهای مسکونی را شامل می‌گردد (جوردن^۱، بیرکین^۲ و ایوانس^۳، ۲۰۱۴، ص. ۴۹).

هدف اصلی بازآفرینی شهری به ویژه بعد از قرن نوزدهم فعال کردن مجدد مناطق و ساختارهای شهری غیر قابل استفاده بوده است (مارتینوویک^۴ و ایفکو^۵، ۲۰۱۸، ص. ۲۵۹؛ عندلیب، ۱۳۹۲، ص. ۸۱). این رویکرد عمدتاً تفکری درونزا برای توسعه شهری محسوب می‌شود و از ابعاد مختلف به مسأله شهر نگاه می‌کند (عزیزی و بهرا، ۱۳۹۶، ص. ۶). این رویکرد به دلیل توصیه‌ها و مقررات اخیر اتحادیه اروپا به عنوان یک اولویت و یکی از راهبردهای کلیدی حکمروایی شهری در پاسخگویی به چالش‌ها و مشکلات شهرنشینی در هزاره سوم درآمده است (ماتئو^۶ و کونات^۷، ۲۰۱۶، ص. ۱۹۴). در واقع هدف اساسی از اجرای سیاست‌های بازآفرینی شهری و برنامه‌های تجدید حیات شهری، ارتقاء شرایط کیفی زندگی در سکونت‌گاه‌ها از طریق ایمن‌سازی و مقاوم‌سازی ساختمان‌ها، توسعه و بهبود زیرساخت‌های شهری، تأمین خدمات شهری مورد نیاز، آموزش ساکنان، ایجاد فرصت‌های شغلی، تحکیم روابط متنوع بخش سیاست‌گردشگری با بازآفرینی شهری، تقویت نهادهای مدیریت محلی و دفاتر خدمات محله‌ای مردم نهاد، الگوسازی و ترویج قواعد و دستورالعمل‌های کیفی ساخت‌وساز است (حیبی و مقصودی، ۱۳۹۳، ص. ۱۸؛ زندگی‌آبادی و مؤید فر، ۱۳۹۱، ص. ۲۹۸؛ کیم^۸ و برامول^۹، ۲۰۱۹، ص. ۸۰).

بازآفرینی یکی از تأثیرگذارترین رویکردهای معاصر در حوزه مرمت و حفاظت شهری به شمار می‌آید. مهم‌ترین دلیل این امر، توان بالای این تفکر در لحاظ نمودن ابعاد متنوعی از واقعیت شهر است. به عبارتی این رویکرد هم به ساختارهای کالبدی توجه نشان می‌دهد و هم ساختارهای اجتماعی و مدیریتی را در قالب اتخاذ نگرشی جامع و کل نگر بر خلاف نگرش‌های پیشین را مورد توجه قرار می‌دهد (شکل ۱). دلیل دیگر اثرگذاری بازآفرینی این است که این رویکرد در دو سطح کلان راهبردی و اجرایی به طور کارآمد شناخته شده است (لطفی، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۳).

1. Jordan
2. Birkin
3. Evans
4. Martinovic
5. Ifko
6. Mateo
7. Cunat
8. Kim
9. Bram well



شکل ۱. سیر تکاملی سیاست‌های مواجهه با محدوده‌ها و محله‌های ناکارآمد (از بازسازی تا بازآفرینی شهری)

مأخذ: (دفتر مقررات ملی و کنترل ساختمان و شرکت بازآفرینی شهری ایران، ۱۳۹۷، ص. ۳۳)

بازآفرینی شهری یکی از مهم‌ترین عوامل دستیابی به توسعه پایدار و رشد هوشمندانه است (معتمدی‌مهر، حسن‌پور و رضایی، ۱۳۹۳، ص. ۳۰؛ داوودپور و نیک‌نیا، ۱۳۹۰، ص. ۳۶؛ مشکینی، موحد و احمدی‌فرد، ۱۳۹۵، ص. ۵۵۰). زیرا رویکردهای مرمت و بهسازی شهری در سیر تحول و تکامل خود از بازسازی، باززنده‌سازی، نوسازی و توسعه مجدد به بازآفرینی شهری تکامل پیدا نموده و در این راه ضمن گذر از ملاحظات صرفاً کالبدی به حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری نیز توجه نموده اند (پوراحمد، حبیبی و کشاورز، ۱۳۸۹، ص. ۷۵؛ به نقل از سجادزاده، حمیدی‌نیا و دالوند، ۱۳۹۶، ص. ۴). نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که بازآفرینی بایستی نه تنها در زمینه‌های مختلفی مورد توجه قرار گیرد، بلکه به دلیل علائق متضاد، ارزش‌های مختلف و اهداف متنوع، تعامل میان ذینفعان در انتخاب راهبردها را نیز لحاظ نماید (لیو^۱، هوانگ^۲ و ژو^۳، ۲۰۱۹، ص. ۱۸۱؛ بوترو^۴، اوپیو^۵، بوناردو^۶ و کواگلیا^۷، ۲۰۱۹، ص. ۵۸۵).

1. Lio
2. Huang
3. Zhu
4. Bottero
5. Oppio
6. Bonardo
7. Quaglia

همین‌طور فراتر از باززنده‌سازی (یا توانمندسازی) که با وجود اشاره‌اش مبنی بر لزوم انجام اقدامات، در تعیین یک روش برای دستیابی به آن ناتوان می‌ماند، به نظر می‌رسد استفاده از شبکه‌های محلی مبتنی بر مکان برای تشخیص ریشه پدیده‌ها در شهرهای معاصر تکامل یافته است (مارتی^۱، گارسیا مایر^۲ و سرانو استرادا^۳، ۲۰۱۹، ص. ۱۹۱).

به همان نحو که فرایند نوسازی و تجدید حیات شهری در لندن، نشانگر توجه همزمان به فرایند توانمندسازی مردم و همچنین خلق مکان است که از راه طراحی فرایندهای معین قانونی، سیاسی، سازمانی و مداخلات کالبدی - فضایی به وسیله دولتی قدرتمند و همچنین شبکه‌ها و نهادهای مشترک بین آنها اتفاق می‌افتد (ایمریک^۴، لیز^۵ و راکو^۶، ۱۳۹۰، ص. ۱۲).

با جمع‌آوری شواهد به دست آمده از تاریخ تحولات و سیاست‌های شهری و مطالعه تطبیقی بسترهای بازآفرینی شهری در کشورهای مختلف نظیر بریتانیا، فرانسه و آلمان، امکان شناخت مراحل توسعه نظری و عملی آنچه که ما اکنون بازآفرینی شهری می‌نامیم، میسر می‌شود (کوچ^۷، سایکس^۸ و بو استینگاوس^۹، ۲۰۱۱، ص. ۱۶).

این رویکرد تنها به دنبال باززنده‌سازی مناطق متروکه نیست، بلکه با مباحث گسترده‌تری همچون اقتصاد رقابتی، کیفیت زندگی، حمل و نقل عمومی (نورینگ^{۱۰}، ۲۰۱۹، ص. ۱۲۵؛ رویجسبروک^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۹، ص. ۱۵۵) به‌ویژه برای افرادی که در محلات فقیرنشین زندگی می‌کنند، سروکار دارد. رویکرد بازآفرینی با نگاه به هویت تاریخی شهر به دنبال احیاء بافت قدیم و بازگرداندن حیات اجتماعی و رونق اقتصادی با توجه به شرایط و نیازهای امروزی است (زنگی‌آبادی، غلامی و موسوی، ۱۳۹۰، ص. ۶۰).

بنابراین بازآفرینی شهری به صورت سیاستی جامع و یکپارچه از طریق مجموعه اقداماتی به حل مسائل شهری منجر می‌شود، به طوری که بهبود دائمی در شرایط اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی ناحیه‌ای که دستخوش تغییر شده، را فراهم می‌کند (رابرتز^{۱۲} و سایک^{۱۳}، ۱۳۹۳، ص. ۱۷؛ حییبی و سید برنجی، ۱۳۹۵، ص. ۳۳۴).

1. Marti
2. GarciaMayor
3. Serrano Estrada
4. Imric
5. Lees
6. Raco
7. Couch
8. Sykes
9. Bo rstinghaus
10. Noring
11. Ruijsbroek
12. Roberts
13. Sykes

در چند دهه اخیر استراتژی‌های بازآفرینی شهری مبتنی بر فرهنگ به عامل ارتقاء رشد اقتصادی شهرهای کشورهای توسعه‌یافته به ویژه اروپا، ایالات متحده، ژاپن و سنگاپور تبدیل شده است (چیو^۱، لی^۲ و وانگ^۳، ۲۰۱۹، ص. ۱؛ کونت^۴ و مانو^۵، ۲۰۱۶، ص. ۱۴؛ ندوسین^۶، کرکل جس^۷ و گاجیک^۸، ۲۰۱۹، ص. ۷۲).

۲. مدل‌سازی

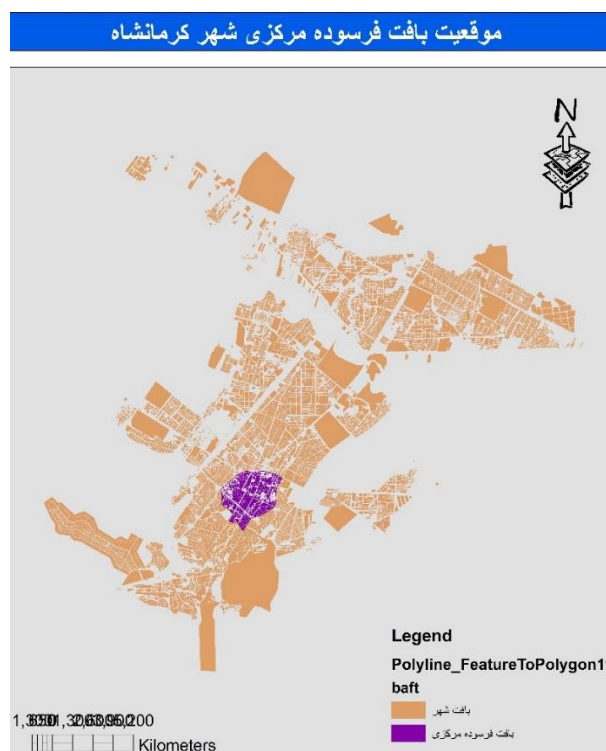
۲.۱. روش تحقیق

روش پژوهش در مقاله حاضر با توجه به اهداف یا مبنای تحقیق از نوع کاربردی و از نظر ماهیت یا روش از نوع توصیفی می‌باشد. در این تحقیق به دو روش اسنادی و پیمایشی (میدانی) اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری شده است. در روش کتابخانه‌ای و اسنادی ضمن استفاده از اسناد و مدارک سازمانی و مراجع و منابع آماری و غیرآماري مرتبط با بازآفرینی شهری و بهسازی و نوسازی بافت فرسوده، جستجوی اینترنتی در سایت‌ها، مقاله‌های علمی پژوهشی، پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع تحقیق، ترجمه متون انگلیسی، استفاده از کتب مرتبط و ... مبنای نظری تحقیق و سوابق تحقیقات پیشین استخراج شده است. جامعه آماری این تحقیق ساکنین محلات مرکزی شهر کرمانشاه بوده‌اند. شیوه نمونه‌گیری در مورد متقاضیان به صورت نمونه‌گیری احتمالی ساده از نوع منظم یا سیستماتیک می‌باشد. جهت تعیین حجم نمونه از فرمول نمونه‌گیری کوکران استفاده شد، بر این اساس حجم نمونه ۳۸۴ نفر به دست آمد. در روش میدانی، داده‌ها به کمک پرسشنامه محقق ساخته گردآوری شد. این پرسشنامه حاوی ۱۹ سؤال است. سپس داده‌های گردآوری شده تحلیل و پردازش شده و به سؤالات تحقیق پاسخ داده شد. در مرحله بعد یافته‌های پژوهش در یک چارچوب منظم و مرتبط تنظیم شده و اقدام به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری و ارائه راهکارهای ممکن و لازم شده است. در این تحقیق برای سنجش روایی ابزار تحقیق از روایی صورتی استفاده شده است. که این مرحله با قضاوت متخصصان (اساتید دانشگاه) درباره سؤال‌های تحقیق جهت مشخص کردن این که سؤالات از نظر محتوایی و صورتی تا چه میزانی معرف محتوا و هدف‌های پژوهش می‌باشد، استفاده شده است. ضریب پایایی کل پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ محاسبه شد که نشان از اعتبار بالای این پرسشنامه است. در روش تحلیلی (تجزیه و تحلیل آماری) به استنباط نتایج و تحلیل اطلاعات حاصل از برداشت‌های میدانی با استفاده از نرم‌افزار SPSS بهره گرفته شد.

1. Chiu
2. Lee
3. Wang
4. Conte
5. Monno
6. Neducin
7. Krkljes
8. Gajic

۲.۲. محدوده مورد مطالعه

شهر کرمانشاه در نیمه شرقی استان کرمانشاه، بین ۳۴ درجه و ۱۹ دقیقه عرض شمالی و ۴۷ درجه و ۷ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است. این شهر دارای جایگاه نسبتاً بالایی در نظام سلسله مراتب شهری ایران می‌باشد و به عنوان نهمین شهر بزرگ ایران در میان بیش از ۱۰۰۰ شهر بزرگ و کوچک حائز رتبه‌ای درخور توجه است. بر اساس آخرین اطلاعات این شهر دارای جمعیتی حدود ۹۴۵۲۸۵ نفر می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). بافت مرکزی شهر کرمانشاه به مثابه قلب تپنده شهر که مرکز فرماندهی اقتصادی و اجتماعی را تشکیل می‌دهد دارای اهمیت فوق العاده‌ای است (شکل ۲)



شکل ۲. نقشه موقعیت بافت فرسوده مرکزی در شهر کرمانشاه

در این بخش بازار و خیابان‌های اصلی شهر واقع شده‌اند. از طرح‌های فرادست بافت مرکزی شهر کرمانشاه می‌توان به دو طرح تجدید نظر طرح جامع شهر کرمانشاه و طرح بهسازی و نوسازی بافت مرکزی شهر کرمانشاه اشاره نمود. چارچوب محدوده بافت مرکزی بر اساس تعاریف این طرح‌ها تعیین شده است. دلیل این امر بهره‌گیری از داده‌های این طرح‌ها و مطابقت دادن نتایج این پژوهش با واقعیت‌های عینی در آنهاست. طرح تجدید نظر جامع شهر کرمانشاه در سال ۱۳۸۴ توسط مهندسين مشاور طرح و آمایش تهیه شده است. در این طرح بافت مرکزی به عنوان یک محدوده مستقل به لحاظ مطالعاتی معرفی شده است. طرح بهسازی و نوسازی بافت قدیم مرکز کرمانشاه

نیز ارتباط مستقیمی با وضعیت این محدوده دارد. این طرح با هدف مداخله در این بافت به منظور ارتقای وضعیت سیمای کالبدی و بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی ساکنین بافت در سال ۱۳۸۸ توسط مهندسین مشاور تدبیر شهر دانش تهیه شده است.

محدوده اولیه شناسایی شده بافت فرسوده در شهر کرمانشاه ۱۰۵۰ هکتار بوده است که با پیشنهاد شهرداری کرمانشاه مبنی بر افزایش ۷۸ هکتار به محدوده و تأیید کمیسیون ماده ۵، محدوده نهایی به ۱۱۲۸ هکتار افزایش یافته است. بافت مرکزی شهر کرمانشاه به عنوان بخشی از این بافت فرسوده با مساحتی حدود ۳۶۰ هکتار تنها ۳/۶ درصد از شهر کرمانشاه را اشغال کرده است. اما با این وجود به لحاظ اقتصادی و اجتماعی دارای ارزش بسیار بالایی است (شکل ۳).



شکل ۳. تصویر بافت مرکزی در شهر کرمانشاه

۳. یافته‌ها

۳.۱. نقش عوامل مؤثر بر بازآفرینی بافت‌های فرسوده مرکز شهر کرمانشاه

با توجه به نقش اساسی معیارهای کیفی در ارتقای فضاهای شهری و اتکای بازآفرینی شهری به اصول و راهبردهای برنامه ریزی و طراحی شهری در این تحقیق سعی می‌گردد به تحلیل نقش آن دسته از ویژگی‌هایی که در خلق مراکز شهری سرزنده دخیل هستند پرداخته شود.

۳.۲. اختلاط و گوناگونی فعالیت‌ها

اولین معیار مورد تحلیل، اختلاط و گوناگونی فعالیت‌ها است. اختلاط کیفیتی است که در آن نه تنها فعالیت‌ها بلکه وضعیت فیزیکی ابنیه نیز به لحاظ تفاوت‌های موجود در آن تا حد زیادی در بازآفرینی فضاهای شهری مؤثر است. تنوع کاربری‌ها نقش کلیدی در افزایش تقاضا برای ساخت و ساز در فضاهای شهری دارد و به عنوان اصلی‌ترین عامل تحرک در بازآفرینی مرکز شهر کرمانشاه شناخته می‌شود. این عامل باعث جذب گروه‌های متعددی از شهر شده و به دلیل انباشت سرمایه‌های اجتماعی در فضای شهری موجب افزایش بهای زمین شده و از این رو عاملی ثانویه برای جذب سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و بازآفرینی فضاهای شهری شده است. تنوع سنی ساختمان‌ها با نرخ اجاره‌های متفاوت در رونق فعالیت‌ها در مرکز شهر کرمانشاه تأثیرات زیادی داشته است. طیف وسیعی از فعالیت‌ها و کاربری‌های گوناگون در این مرکز آن را به محیطی پر از هیاهو تبدیل نموده است. اما فقدان اختلاط مناسب در حوزه کاربری‌های اصلی به ویژه کاربری‌های شبانه و فرهنگی یکی از عوامل دفع سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی در بازآفرینی شهری این بخش از شهر است. این مسأله با اهمیتی است که انگیزه سرمایه‌گذاران و آبادگران برای ورود به حوزه بازآفرینی شهری وجود حداقلی از اختلاط کاربری‌ها است. نتایج حاصل از نظرات کلی مصاحبه‌شوندگان منجر به تقویت این فرضیه شد که بخش خصوصی تمایلی به سرمایه‌گذاری برای توسعه بافت مرکزی ندارد، زیرا با وجود فراهم شدن بسترهای مناسب و زیرساخت‌های لازم در حوزه تسهیلات و نهادی از سوی دولت در سالهای اخیر فعالیت‌های بازآفرینی شهری چشمگیری در سطح منطقه دیده نمی‌شود. با وجود اصلاحاتی که در ساختار نظام اداری و برنامه ریزی شهری کرمانشاه با ایجاد سازمان بازآفرینی شهری در سال‌های اخیر اتفاق افتاده است و در آن اختیارات بیشتری به شهرداری‌ها و دیگر سازمان‌های همکار در توسعه شهر کرمانشاه برای اعمال برنامه ریزی‌های لازم در اجرای برنامه‌های بازآفرینی شهری تفویض شده است، اما اقدامات وسیعی از سوی بخش خصوصی دیده نشده است. دلیل عمده عدم موفقیت فعالیت‌های پراکنده بازآفرینی در بافت مرکزی شهر کرمانشاه با وجود محیا بودن زمینه‌های مساعد در برخی از حوزه‌ها، عدم توجه به همه جنبه‌های بازآفرینی شهری می‌باشد. همان‌گونه که علی‌الجنایبیان و دودانگه به نقل از حبیبی (۱۳۹۴)، پوراحمد (۱۳۸۹)، هم نظریات مشابهی در این زمینه بیان می‌کنند، توفیق در بازآفرینی شهری مستلزم در نظر گرفتن تمامی بخش‌های بازآفرینی شهری در کنار همدیگر است. زیرا بی

توجهی به هر یک از جنبه‌ها اعم از فرهنگ مینا بودن، اقتصاد مینا بودن یا اجتماع مینا بودن سبب انتزاعی شدن فضا و بیگانگی انسان‌ها از فضای شهری می‌شود.

۳.۳. الگوی تراکمی توسعه

فشرده‌گی در مراکز شهری عاملی مؤثر در پایداری فضاهای شهری می‌باشد. یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که پیوستگی کالبدی فضایی و عدم وجود فواصل خالی میان ساختمان‌ها در حد خیلی زیادی در تداوم حضور عابران پیاده و افزایش رونق فعالیت‌های شهروندان مرکز شهر کرمانشاه مؤثر بوده است. ساختار فضایی مرکز شهر کرمانشاه به دلیل وجود فواصل غیر منطقی میان کاربری‌های جاذب آن از نظر کیفیت تداوم تقریباً در وضعیتی نامناسب قرار دارد و در نتیجه فعالیت عابرین پیاده تا حدود زیادی با کاهش روبرو می‌شود. عدم توجه به زیرساخت‌هایی نظیر پارکینگ‌ها در مرکز شهر از یک طرف و ضعف سیستم حمل و نقل عمومی و ممنوعیت پارک اتومبیل در خطوط توقف کنار خیابان‌ها باعث عدم رغبت پیاده‌ها به فعالیت پیاده روی شده است و تأثیرات منفی بر بازآفرینی مرکز شهر داشته است.

نگاهی به تجارب جهانی نشان می‌دهد که برخلاف الگوهای متداول سنتی کلرنس پری، الگوهای متأخر مانند الگوهای واحد همسایگی نو و الگوی پدسترین پاکت برای کاهش فواصل پیاده روی و رونق فعالیت‌ها از طریق افزایش تراکم، اختلاط کاربری‌ها و ارائه ضوابط کنترل طراحی شهری و بهره‌گیری از استانداردهای کاملاً مشخص اقدامات شایان توجهی انجام داده‌اند. یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که از میان چهار متغیر مرتبط با مؤلفه الگوی تراکمی توسعه، متغیر توسعه‌های جدید بلند مرتبه و متراکم ارتباط معناداری با بازآفرینی شهری داشته است. یعنی این رویکرد تنها به دنبال باززنده‌سازی مناطق متروکه نبوده، بلکه با مقوله‌های گسترده‌تری نظیر اقتصاد رقابتی، کیفیت زندگی، حمل و نقل عمومی به ویژه برای ساکنین محلات فقیرنشین سروکار دارد. نتایج این تحقیق نشان داد که توجه به هویت مکانی و تاریخی شهر از طریق تجدید حیات در سازمان کالبدی بافت قدیمی و بازگرداندن حیات اجتماعی و رونق اقتصادی با توجه به شرایط موجود با بازآفرینی شهری رابطه معناداری دارد.

با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان گفت سطح معناداری برای تمامی متغیرها کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد و معناداری آن‌ها تأیید می‌شود. همچنین میانگین تمامی گویه‌ها کمتر از حد متوسط است. بدین معنا که فعالیت‌هایی همچون حفاظت از ساختمان‌های تاریخی، توسعه‌های جدید و بلند مرتبه، فضاهای باز عمومی و توسعه درون‌افزا در حد ضعیفی در بازآفرینی مرکز شهر کرمانشاه مورد توجه واقع شده است.

۳. ۴. دسترسی و نفوذپذیری فضاها

توسعه مناطق شهری حمل و نقل مبنا به منظور کاهش اشاعه مناطق بی جان و افزایش تعامل مردم با تأکید بر دسترسی پذیری و نفوذپذیری این بافت‌ها دارای اهمیتی اساسی است (فورلانس^۱، پتروسیلی^۲، دیوید مازور^۳، زاینه^۴، زاینه، ال سعید^۵، صالح^۶، ۲۰۱۹، ص. ۱۲۹). یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که از میان هشت متغیر مرتبط با مؤلفه دسترسی و نفوذپذیری، وجود پیاده‌روهای عریض و امکانات رفاهی و ایمنی موجود در آن‌ها تا حدود خیلی زیادی در رونق فعالیت‌ها در مرکز شهر کرمانشاه مؤثر واقع شده است و وجود جداره‌های غیرفعال و سلب‌کننده تأثیر در بازآفرینی شهری داشته است. لبه‌های فعال به ویژه زمانی که برای خلق فضاهای عمومی جدید و یا احیاء و بازآفرینی فضاهای شهری موجود ایجاد شوند دارای اهمیت زیادی هستند.

پیاده راه‌ها کارکردهای دیگری نظیر چارچوب طراحی شهری را نیز به عهده دارند و مدیران شهری امروزه از آن به عنوان ابزاری کاربردی برای هدایت توسعه شهر و ارتقای محیطی استفاده می‌کنند. در واقع مسیرهای پیاده وسیله‌ای مطمئن برای حفاظت بناهای تاریخی و بازآفرینی فضاهای شهری هستند. نتایج این تحقیق نشان داد که ارتباطی معنادار میان گسترش پیاده‌راه‌ها با حفاظت و بازآفرینی فضاهای شهری وجود دارد. این ارتباط دو سویه بوده و الگوهای شبکه‌های ارتباطی، جزییات طراحی فضاها، هماهنگی در جداره خیابان‌ها و رعایت مقیاس انسانی در جداره‌ها بر کیفیت مسیرهای پیاده‌روی تأثیرات مهمی بر جای گذاشته است.

وجود پارکینگ‌های کوتاه مدت حاشیه خیابان که مجهز به پارکوتر باشد، در حد خیلی زیادی توانسته اند زمینه مناسبی را برای رونق فعالیت‌های شهری در مرکز شهر کرمانشاه فراهم نماید. همچنین تغییر و تبدیل مکان‌هایی که فعالیت آن‌ها در حال حاضر منسوخ شده است به کاربری‌های جذاب مانند قهوه‌خانه‌ها و موزه‌ها در حد خیلی زیادی موجب رونق فعالیت‌ها و بازآفرینی فضاهای شهری در مرکز شهر کرمانشاه شده است. موفقیت این اقدامات تا حدود خیلی زیادی منوط به تقویت عرصه‌های عمومی و جلوگیری از تسلط نیرویی خاص مانند عرصه دولتی یا خصوصی بوده است. وجود عناصر زیبایی‌بخش مثل باغچه‌ها، گلدان‌ها، گل‌جای‌ها، آب‌نماها و مجسمه‌ها در حد بسیار زیادی در بازآفرینی شهری مرکز شهر کرمانشاه مؤثر هستند. علاوه بر آن جداره‌های غیرفعال و ممتد قطعات بزرگ که مستقیماً رو به خیابان‌های اصلی باز می‌شوند تا حدود زیادی باعث کاهش جذابیت محیط شهری در مرکز شهر کرمانشاه شده‌اند.

خیابان‌های بین بلوکی در حد متوسطی در بازآفرینی شهری نقش دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد که کافه‌های خیابانی در پیاده‌روها با طراحی منحصر به فرد و جذاب در حد خیلی زیادی در افزایش شخصیت فضایی و سرزندگی

1. Furlans
2. Petruccioli
3. David Major
4. Zaina
5. Al Saeed
6. Saleh

فضاهای شهری مرکز شهر کرمانشاه مؤثر هستند. استفاده از مبلمان شهری مثل نیمکت‌ها و سکوها در حد خیلی زیادی در رونق فعالیت‌های شهری و سرزندگی مرکز شهر کرمانشاه مؤثر بوده‌اند. با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان گفت سطح معناداری برای هشت متغیر مورد نظر کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد و معناداری آن‌ها تأیید می‌شود. بدین معنی که فعالیت‌هایی همچون وجود پیاده‌روهای عریض، پارکینگ‌های کوتاه‌مدت، تغییر کاربری مکان‌های قدیمی، توجه به عناصر زیبایی‌بخش، جداره‌های غیرفعال و ممتد، وجود خیابان‌های بین بلوکی، کافه‌های خیابانی و مبلمان شهری تا حدود زیادی در بازآفرینی مرکز شهر کرمانشاه تأثیر داشته‌اند.

به طور کلی یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سطح معناداری برای تمامی گویه‌ها کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد و معناداری آن‌ها تأیید می‌شود. همچنین میانگین گویه‌ها کمتر از حد متوسط سه است. بنابراین می‌توان گفت فعالیت‌های مرتبط با بازآفرینی شهری به منظور نوسازی و بازسازی بافت‌های فرسوده مرکز شهر کرمانشاه ضعیف بوده است. مهم‌ترین ضعف فعالیت‌های بازآفرینی شهری در نوسازی و بازسازی بافت‌های فرسوده مرکز شهر کرمانشاه را می‌توان به فراهم نبودن زمینه مناسب برای مشارکت بیشتر شهروندان دانست (جدول ۲).

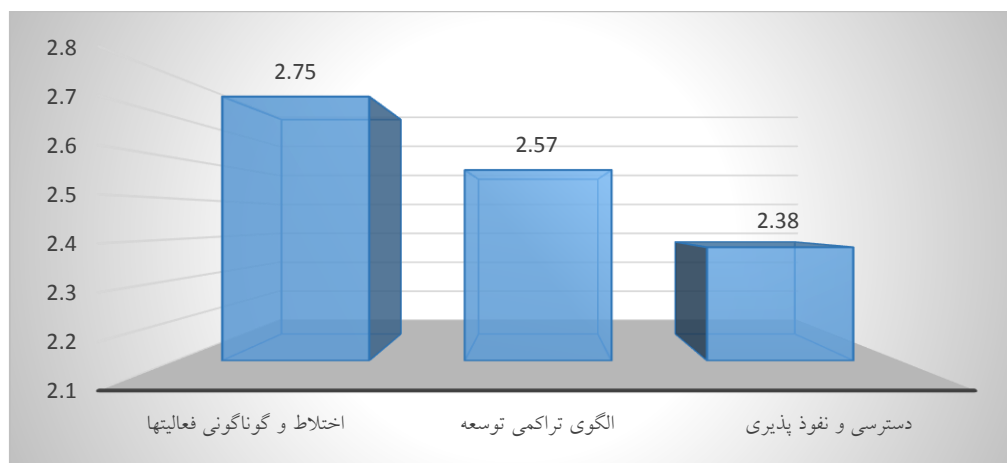
جدول ۲. نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای عوامل مؤثر بر بازآفرینی شهری

ردیف	شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار	میانگین انحراف معیار	آزمون T	سطح معناداری	تفاوت در سطح ۹۵٪ فاصله اطمینان	
							پایین‌ترین	بالا‌ترین
اختلاط و گوناگونی فعالیت‌ها	اختلاط کاربری‌ها	۲/۸۹	۱/۱۴	۰/۰۵	۱/۸۲	۰/۰۰۹	۰/۲۲	۰/۰۱
	تنوع کاربری‌ها	۳/۰۰	۲/۵۶	۰/۹۷	۱/۵۱	۰/۰۰۰	۰/۵۶	۰/۰۲
	تنوع سنی ساختمان‌ها یا نرخ متفاوت اجاره‌ها	۲/۹۴	۰/۰۳	۰/۰۱	۲/۰۲	۰/۰۰۱	۰/۱۱	۰/۱۵
	مکان‌های پرفعالیت و کاربری‌های اولیه	۲/۲۳	۰/۹۱	۰/۵۶	۱/۲۳	۰/۰۰۲	۰/۰۲	۰/۲۳
	کاربری‌های تفرجگاهی	۲/۶۳	۰/۹۶	۰/۴۱	۱/۵۶	۰/۰۰۱	۱/۰۵	۰/۱۴
	مراکز فرهنگی	۲/۸۲	۰/۸۷	۰/۸۷	۰/۸۷	۰/۰۰۰	۱/۲۲	۰/۵۶
الگوی تراکمی توسعه	پیوستگی کالبدی فضایی	۲/۹۴	۰/۹۱۹	۰/۰۴۷	۱/۲۷۷	۰/۰۰۲	۰/۱۵	۰/۰۳
	حفاظت از ساختمان‌های تاریخی	۲/۸۱	۰/۹۶	۰/۰۴	۳/۸۱	۰/۰۰۰	۰/۲۸	۰/۰۹
	توسعه‌های جدید و بلند مرتبه یا تراکم زیاد	۱/۹۹	۱/۵۶	۱/۲۳	۱/۵۶	۰/۰۰۱	۱/۱۲	۰/۵۶
	فضاهای باز عمومی	۲/۲۳	۱/۴۶	۰/۰۵	۲/۱۲	۰/۰۰۲	۰/۴۵	۰/۴۵
	توسعه درون افزا	۲/۸۹	۲/۵۵	۰/۰۴	۲/۱۱	۰/۰۰۰	۱/۵۷	۰/۲۱

ردیف	شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار	میانگین انحراف معیار	آزمون T	سطح معناداری	تفاوت در سطح ۹۵٪ فاصله اطمینان	
							پایین‌ترین	بالا‌ترین
دسترسی و نفوذپذیری	پیاپاده‌روها و امکانات ایمنی و رفاهی آن	۲/۴۰	۰/۹۲	۰/۰۴	۱۲/۷۱	۰/۰۰۰	۰/۵۹	۰/۶۹
	پارکینگ‌های کوتاه مدت	۱/۹۲	۱/۰۲	۰/۰۵	۱۰/۵۶	۰/۰۰۰	۰/۱۸	۰/۷۳
	تغییر و تبدیل کاربری مکان‌های قدیمی	۲/۸۲	۰/۹۷	۰/۰۵	۱۱/۴۱	۰/۰۰۰	۰/۵۶	۰/۲۸
	عناصر زیبایی‌بخش	۲/۴۳	۱/۰۸	۰/۰۵	۴/۷۴	۰/۰۰۱	۰/۲۶	۰/۳۷
	جداره‌های غیرفعال و ممتد	۲/۷۸	۱/۰۱	۰/۰۲	۴/۲۰	۰/۰۰۲	۰/۳۲	۰/۳۲
	خیابان‌های بین بلوکی	۲/۱۱	۱/۰۸	۰/۰۱	۳/۴۵	۰/۰۰۵	۰/۲۱	۱/۱۸
	کافه‌های خیابانی	۲/۰۲	۱/۱۱	۰/۰۳	۴/۵۶	۰/۰۰	۰/۵۶	۰/۶۶
	میلان شهری	۲/۵۶	۱/۲۳	۰/۰۵	۵/۰۲	۰/۰۰۰	۰/۲۳	۰/۳۱

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰)

مقایسه شاخص‌های مؤثر بر بازآفرینی بخش مرکزی شهر کرمانشاه نشان می‌دهد که اختلاط و گوناگونی فعالیت‌ها بیشترین میزان تأثیرگذاری بر آن را داشته است و دسترسی و نفوذپذیری نیز دارای کمترین میزان تأثیر بوده است (شکل ۴).



شکل ۴. مقایسه شاخص‌های مؤثر بر بازآفرینی مرکز شهر کرمانشاه

۴. بحث

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که به استثنای اختلاط و گوناگونی فعالیت‌ها، تمامی متغیرها در سه مؤلفه مورد بررسی دارای میانگینی کمتر از حد نرمال بوده است. این امر نشان دهنده این واقعیت است که عوامل تأثیرگذار در

بازآفرینی بخش مرکزی شهر کرمانشاه با وجود مداخلات متعدد در حوزه نوسازی و بهسازی این بافت، بازآفرینی این فضاها فاصله زیادی تا حد مورد انتظار دارد.

مقایسه نتایج تحقیق حاضر با یافته‌های علمی نشان می‌دهد که فقدان رویکردی منسجم که پیوندی محکم و آشکار میان حوزه عمل و نظر در بحث بازآفرینی ایجاد نماید، سبب شکل‌گیری مجموعه‌ای از مداخلات ناهماهنگ و گاه متضاد شده است، این ناهماهنگی‌ها و سوء برداشت‌ها موجب شده تا مدیران و مسئولان شهری درکی متفاوت از سطح بازآفرینی شهری داشته باشند، اینکه نوع بازآفرینی ماهیتی کالبدی، اجتماعی اقتصادی یا فرهنگی داشته باشد هنوز در بسیاری از مداخلات مشخص نشده و به سلاقی متفاوت مدیران بستگی دارد، از این جهت نتایج این تحقیق با یافته‌های لطفی (۱۳۹۰)، مطابقت دارد.

وجود رابطه مثبت میان پیاده‌روی و تعامل اجتماعی از جنبه‌های کلیدی بازآفرینی شهری محسوب می‌شود. همانطور که مطالعات جیکوبز (۱۳۹۲)، این موضوع را تأیید می‌کند؛ رابطه مستقیمی میان حرکت پیاده‌روی و توان بالقوه آن برای ارتقای مشارکت و افزایش حس تعلق مکانی در فضاهای شهری وجود دارد. اما یافته‌های این تحقیق نشان داد که آن دسته از حوزه‌های بازآفرینی مانند شاخص‌های دسترسی و نفوذپذیری که اقدامات عمدتاً به صورت مداخله‌ای بوده و نقش مشارکت مردم در آن نادیده گرفته شده، نقش کمتری در بازآفرینی فضاهای شهری داشته است، از اینرو می‌توان نتیجه گرفت که مشارکت و همراهی بخش دولتی و خصوصی در امر بازآفرینی یک امر حیاتی است و مقامات محلی بدون همراهی این دو بخش امکان محقق نمودن طرح‌ها و پروژه‌های بازآفرینی را ندارند و این نتیجه با یافته‌های گازی (۲۰۰۹)، همسو است.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که از سه شاخص مورد بررسی، اختلاط و گوناگونی فعالیت‌ها بیشترین تأثیر در بازآفرینی فضاهای شهری در بافت مرکزی فرسوده شهر کرمانشاه داشته است. نتایج حاضر یافته‌های مطیعان و آزموده (۱۳۹۹)، در تحقیق ارزیابی اختلاط کاربری در سطح معابر شهری در محله ولیعصر تهران را مورد تأیید قرار می‌دهد. این موضوع نشان‌دهنده اهمیت ویژه شاخص اختلاط و گوناگونی فعالیت‌ها در بازآفرینی فضاهای شهری است، اهمیت این شاخص به وسیله بنتلی و همکاران (۱۳۹۱)، توضیح داده شده است.

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل نقش عوامل مؤثر بر بازآفرینی شهری بافت‌های فرسوده بخش مرکزی شهر کرمانشاه از منظر کاربران انجام شد. با توجه به مطالعات تجربی صورت گرفته در ارتباط با بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی توانمند در عرصه نوسازی و بهسازی شهری در ایران و جهان، این پژوهش در قالب موضوع بررسی عوامل تأثیرگذار بر بازآفرینی شهری در بخش مرکزی شهر کرمانشاه صورت گرفت. رویکردهای پیش از بازآفرینی شهری به دلایل مختلف از جمله اعمال سیاست‌های بازسازی مبتنی بر اقتدارگرایی و نگاه موزه‌ای به میراث تاریخی شهر در چارچوب تهیه طرح‌های جامع شهری که به صورت ویژه غالباً بر جنبه‌های کالبدی فضاهای شهری تأکید

داشتند، نتوانستند چالش‌های موجود در بافت‌های ناکارآمد شهری را به طور کامل برطرف نمایند. پروژه‌هایی که در ذیل این رویکردها برای حل مشکلات این بافت‌ها تعریف می‌شد به دلیل عدم مشارکت مردم در تهیه و اجرای آنها نتوانستند حیات شهری را به بافت‌های ناکارآمد برگردانند و اغلب با نارضایتی ساکنین مواجه شدند و از همین رو ضرورت تغییر در رویکردها به سمت بازآفرینی شهری در دهه ۱۹۸۰ پدیدار گشت.

در بافت مرکزی شهر کرمانشاه آنچه تاکنون اتفاق افتاده است، مداخلاتی بوده است که توسط بخش دولتی و خصوصی بدون هماهنگی صورت گرفته است. توسعه بافت مرکزی شهر کرمانشاه عموماً تحت مدیریت دولت انجام می‌پذیرد. این الگوی دولت-محور اعتقادی به نقش بخش خصوصی به عنوان یک شتاب‌دهنده ندارد. به همین دلیل این نوع مداخلات به سبب اینکه نتوانسته است به خلق عرصه‌های عمومی منجر شود ماهیتی آمرانه از سوی دولت و تزییی از سوی بخش خصوصی داشته است و بر این اساس در بازآفرینی فضاهای شهری به معنای به وجود آمدن نسلی جدید از عناصر کالبدی به لحاظ رفتارها و هنجارهای معاصر همخوانی ندارد.

نکاتی که باید در پروژه‌های بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهر کرمانشاه به آن توجه شود شامل پیشنهادهایی

به صورت زیر است:

- ایجاد و تقویت حس مکانی در مناطق نوسازی شده
- ارائه مشوق‌های مالی جذاب برای جذب مشارکت ذینفعان در سرمایه‌گذاری در بافت فرسوده
- ایجاد بانک اطلاعاتی از تمامی اجزاء و عناصر بافت اعم از ساختمان‌ها، جمعیت و مراجعین به بافت
- تقویت سازوکارهای حمایتگر از گروه‌های متوسط مردم و جلوگیری از فراموش شدن نقش آنها در بازآفرینی بافت.

کتاب‌نامه

۱. احمدی، ع. (۱۳۹۲). بررسی وضعیت سرزندگی بافت‌های هدف برنامه‌های بازآفرینی شهری و ارائه راهکارهای ارتقاء آن نمونه موردی: محله شیوا، تهران. نشریه هفت شهر، ۴(۴۸-۴۷)، ۸۵-۹۶.
۲. ایمریک، ر.، لس، ل.، و راکو، م. (۱۳۹۰). نوسازی شهر لندن؛ حکمرانی، پایداری و اجتماع محوری در یک شهر جهانی. ترجمه: مجتبی رفیعیان. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳. بتلی، ای.، الکک، آ.، مورین، پ.، مک گلین، س.، اسمیت، گ. (۱۳۹۱). محیط‌های پاسخ‌ده. ترجمه: مصطفی بهزادفر، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ۴۳۹ صفحه.
۴. پوراحمد، ا.، حبیبی، ک.، و کشاورز، م. (۱۳۸۹). سیر تحول مفهوم شناسی بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی نو در بافت‌های فرسوده شهری. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱(۱)، ۹۲-۷۳.
۵. حبیبی، س. م.، و مقصودی، م. (۱۳۹۳). مرمت شهری. چاپ هفتم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۶. حبیبی، س.م.، و سید برنجی، س. ک. (۱۳۹۵). رابطه بین خاطره‌انگیزی و مشارکت اجتماعی در بازآفرینی هویت شهری، نمونه موردی: میدان شهرداری رشت. *معماری و شهرسازی آرمان‌شهر*، ۹(۱۷)، ۳۲۹-۳۴۲.
۷. داوودپور، ز.، و نیک‌نیا، م. (۱۳۹۰). بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری راهبردی به سوی دستیابی به ابعاد کالبدی توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: بافت فرسوده کوی سجاده). *فصلنامه آمایش محیط*، ۴(۱۵)، ۳۱-۵۹.
۸. دفتر مقررات ملی و کنترل ساختمان و شرکت بازآفرینی شهری ایران (۱۳۹۷). *بازآفرینی شهری پایدار در محدوده‌ها و محله‌های ناکارآمد شهری*. تهران: نشر توسعه ایران.
۹. رابرت، پ.، و سایک، ه. (۱۳۹۳). بازآفرینی شهری، ترجمه: محمد سعید ایزدی و پیروز حناچی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. زنگی‌آبادی، ع.، غلامی، ی.، و موسوی، س. ع. (۱۳۹۰). بررسی رویکرد بازآفرینی شهری با استفاده از مدل سوات: نمونه موردی بافت مرکزی شهر مشهد. *جغرافیا (فصلنامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران)*، ۹(۳۰)، ۷۶-۵۷.
۱۱. زنگی‌آبادی، ع.، و مؤید فر، س. (۱۳۹۱). رویکرد بازآفرینی شهری در بافت‌های فرسوده: برزن شش بادگیری شهر یزد، *مجله علمی - پژوهشی معماری و شهرسازی آرمان‌شهر*، ۵(۹)، ۳۱۴-۲۹۷.
۱۲. سجاد زاده، ح.، حمیدی نیا، م.، و دال‌وند، ر. (۱۳۹۶). سنجش و ارزیابی ابعاد محرک توسعه در بازآفرینی محله‌های سنتی نمونه موردی: محله حاجی در بافت تاریخی شهر همدان. *مجله علمی پژوهشی جغرافیا و توسعه*، ۱۵(۴۹)، ۲۱-۱.
۱۳. صفدری، س.، پورجعفر، م. ر.، و رنجبر، ا. (۱۳۹۲). بازآفرینی فرهنگ‌منا زمینه‌ساز ارتقاء تعاملات فرهنگی (نمونه موردی: بافت تاریخی شهر مشهد). *نشریه هفت شهر*، ۴(۴۷-۴۸)، ۳۹-۲۵.
۱۴. عزیزی، م. م.، و بهرا، ب. (۱۳۹۶). نقش پروژه‌های محرک توسعه در بازآفرینی بافت مرکزی شهرها: نمونه مطالعاتی، بافت تاریخی شهر یزد. *نشریه هنرهای زیبا معماری و شهرسازی*، ۲۲(۴)، ۱۷-۵.
۱۵. علی‌الجنابیان، ع.، و دودانگه، ز. (۱۳۹۴). مفهوم بازآفرینی شهری در نظر و عمل گفت‌وگو با دکتر سید محسن حبیبی. *هفت شهر*، ۴(۵۱-۵۲)، ۵۹-۵۵.
۱۶. عندلیب، ع. ر. (۱۳۹۲). *اصول نوسازی شهری؛ رویکردی نوبه بافت‌های فرسوده*. ویرایش دوم. تهران: انتشارات آذرخش.
۱۷. لطفی، س. (۱۳۹۰). بازآفرینی شهری فرهنگ‌منا: تأملی بر بن‌مایه‌های فرهنگی و کنش بازآفرینی. *نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی*، ۳(۴۵)، ۶۲-۴۹.
۱۸. لطفی، س. (۱۳۹۱). *تبارشناسی بازآفرینی شهری؛ از بازسازی تا نو‌زایی*، چاپ اول، تهران: انتشارات آذرخش.
۱۹. مشکینی، ا.، موحد، ع.، و احمدی فرد، ن. (۱۳۹۵). بررسی سیاست بازآفرینی در بافت‌های فرسوده شهری با استفاده از ماتریس SWOT و QSPM مطالعه موردی: منطقه ۱۲ کلان‌شهر تهران. *پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری*، ۴(۴)، ۵۶۱-۵۴۹.
۲۰. مطیعان، ح.، و آزموده، م. (۱۳۹۹). ارزیابی اختلاط کاربری در سطح معابر شهری به کمک تحلیل‌های مکانی و روش ضریب جینی. *جغرافیا و پایداری محیط*، ۱۰(۴)، ۱۵-۱.

۲۱. معتمدی مهر، ا.، حسن پور، ر.، و رضایی، ر. (۱۳۹۳). بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر مشارکت مردمی (مطالعه موردی: محله قیلر قره). *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی (چشم‌انداز جغرافیایی)*، ۹(۲۶)، ۴۴-۲۹.

22. Bottero, M., Oppio, A., Bonardo, M., & Quaglia, G. (2019). Hybrid evaluation approaches for urban regeneration processes of landfills and industrial sites: the case of the Kwun Tong area in Hong Kong. *Land Use Policy*, 82, 585-594.
23. Chiu, Y. H., Lee, M., & Wang, J. W. (2019). Culture led urban regeneration strategy: An evaluation of the management strategies and performance of urban regeneration stations in Taipei City. *Habitat International*, 86, 1-9.
24. Conte, E., Monno, V. (2016). The regenerative approach to model an integrated urban-building evaluation method. *International Journal of Sustainable Built Environment*, Volume 5(1), 12-22.
25. Couch, C., Sykes, O., & Bo rstinghaus, W. (2011). Thirty years of urban regeneration in Britain, Germany and France: The importance of context and path dependency. *Progress in Planning*, 75(1), 1-52.
26. Furlan, R., Petruccioli, A., David Major, M., Zaina, S., Zaina, S., Al Saeed, M. & Saleh, D. (2019). The urban regeneration of west bay, business district of Doha, (State of Qatar): A Transit Oriented Development enhancing livability. *Journal of Urban Management*, 8(1), 126-144.
27. Guzey, O. (2009). Urban regeneration and increased competitive power: Ankara in an era of globalization. *Cities*, 26(1), 27-37.
28. Hong Hwang, K. (2014). Finding Urban Identity through Culture led Urban Regeneration. *Management*, 3 (1-2), 67-85.
29. Jordan, R., Birkin, M., & Evans, A. (2014). An agent based model of residential mobility Assessing the impacts of urban regeneration policy in the EASEL district. *Computers, Environment and Urban systems*, 48, 49-63.
30. Kim, S., & Bram well, B. (2019). Boundaries and boundary crossing in tourism: A study of policy work for tourism and urban regeneration. *Tourism Management*, 75, 78-89.
31. Lio, X., Huang, J., & Zhu, J. (2019). Property rights regime in transition: Understanding the urban regeneration process in China – A case study of Jinhuajie, Guangzhou. *Cities*, 90, 181-190.
32. Marti P., Garcia Mayor, C., & Serrano Estrada, L. (2019). Identifying opportunity places for urban regeneration through LBSNs. *Cities*, 90, 191-206.
33. Martinovic, A., & Ifko, S. (2018). Industrial heritage as a catalyst for urban regeneration in post conflict cities Case study: Mostar, Bosnia and Herzegovina. *Cities*, 74, 259-268.
34. Mateo, C., & Cunat, A. (2016). Guide of strategies for urban regeneration: A design support tool for the Spanish context. *Indicators*, 64, 194-202.
35. Neducin, D., Krkljes, M., & Gajic, Z. (2019). Post-socialist context of culture-led urban regeneration: Case study of a street in Novi Sad, Serbia. *Cities*, 85, 72-82.
36. Noring, L. (2019). Public asset corporation: A new vehicle for urban regeneration and infrastructure finance. *Cities*, 88, 125-135.
37. Ruijsbroek, A., Wong, A., Brink, G., Droomers, M., Van Oers, H., Stronks, K., & Kunst, A. E. (2019). Does selective migration bias the health impact assessment of urban regeneration programmes in cross-sectional studies? Findings from a Dutch case study. *Health and Place*, 55, 155-164.

38. Seo, B. K., Joo, Y. M. (2019). Innovation or episodes? Multiscalar analysis of governance change in urban regeneration policy in South Korea, *Cities*, 92, 27-35.